

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران

دوره ۹، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۰-۷

## برساخت اجتماعی پروبلماتیک حضور داغدیده در گورستان، به‌سوی یک نظریهٔ زمینه‌ای

سیدعلیرضا افشانی<sup>۱</sup>

علی روحانی<sup>۲</sup>

نگین نعیمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

### چکیده

مرگ همواره بخشی انفکاک‌ناپذیر از زندگی بشر بوده است. بشر برای قابل تحمل ساختن مرگ به مذهب، فلسفه، علم و هنر متوسل شده است. پژوهش‌های تاریخی و مردم‌شناختی، نقش فرهنگ بر واکنش انسان‌ها نسبت به مرگ را تأیید کرده‌اند. در همین راستا آیین‌های خاکسپاری و تدفین که تا حدودی تحت‌تأثیر فرهنگ و مذهب هستند، به‌عنوان نخستین جلوهٔ اجتماعی ماتم در به هم پیوستگی شبکهٔ حمایتی در کنار داغدیدگان و تسهیل پذیرش فقدان حائز اهمیت هستند. در مقاله حاضر برای دستیابی به فهمی عمیق از فرایند حضور و کنش‌های داغدیدگان در گورستان، به‌عنوان یکی از حوزه‌های اساسی تأثیرگذار در زندگی آنها و نقش آن در گذر از داغدیدگی، با طراحی نظریهٔ زمینه‌ای به گردآوری داده‌ها از داغدیدگان درجهٔ یک، در بستر شهر یزد اقدام شد. بنابراین مصاحبه‌هایی عمیق با داغدیدگان فقدان‌های غیرمنتظره، که حداقل چهار ماه و حداکثر چهار سال از فوت عزیز یا عزیزانشان می‌گذشت، انجام شد. در این مسیر با تحلیل خطبه‌خط گزاره‌ها در سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ۲۴ مقولهٔ اصلی و یک مقولهٔ هسته تحت‌عنوان برهم‌کنش واسازانهٔ داغدیده/متوفی در گورستان برساخت شد. پدیدهٔ مرکزی این مقاله پروبلماتیک حضور در گورستان بود که داغدیدگان در واکنش به آن، استراتژی‌هایی متفاوتی را اتخاذ می‌کردند. برساخت زندگی در گورستان، مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات، مدیریت حضور و غیره از جمله استراتژی‌های آنها در پاسخ به پدیدهٔ مرکزی بوده است. اتخاذ این استراتژی‌ها، پیامدهای منفی و مثبتی همانند تنظیم عواطف، تشدید بیماری‌ها و سازگاری با اپوخه گورستان را برای آنان به ارمغان آورده است.

**واژگان کلیدی:** پروبلماتیک حضور، داغدیدگان، گورستان، مرگ، نظریهٔ زمینه‌ای

<sup>۱</sup> استاد، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

afshanalireza@yazd.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسندهٔ مسئول)

aliruhani@yazd.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

negin.naimi1373@gmail.com

## مقدمه و بیان مسئله

مواجهه با مرگ ناگهانی و غیرمنتظره عزیزان می‌تواند پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری را برای داغدیدگان به دنبال داشته باشد. افزون بر حجم قابل توجه مرگ‌ومیر و خصوصاً مرگ‌های غیرمنتظره، بستر مذهبی جامعه ایران و تأکید آموزه‌های دینی اسلام به مرگ‌آگاهی و اندیشیدن در باب مرگ و فهم معناداری زندگی از این رهگذر، نیز اهمیت توجه به این مسئله را افزون می‌کند (طاهری‌سرتشنیزی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۸۰-۱۷۹).

چگونگی سازگاری داغدیدگان با فقدان عزیزانشان و بروز ماتم‌های به‌هنجار یا نابه‌هنجار می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل متعددی چون عوامل اجتماعی، ارتباطی، شخصیتی و غیره باشد. در این راستا یکی از مراسم که می‌تواند در خاتمه بخشیدن به ماتم راهگشا باشد؛ مراسم و آیین‌های خاکسپاری است. چراکه این مراسم تشییع و یادبود می‌تواند با واقعیت بخشیدن به فقدان، فراهم کردن شبکه‌ای حمایتی در کنار خانواده مصیبت‌دیده و فراهم کردن فرصت ابراز احساسات و افکار درباره متوفی و غیره به داغدیدگان برای گذر از نخستین مرحله ماتم یاری رساند (وردن، ۱۳۷۷: ۱۰۸-۹۸).

در جامعه ایران به‌طور عام و شهر یزد به‌طور خاص، مرگ به‌عنوان واقعیتی اجتماعی در قالب نمادهای مشاهده‌پذیر مثل آگهی‌های ترحیم و پارچه‌نویسی‌ها، لباس‌های مشکی، بستن حجله‌ها و ماشین‌ها و وجود بنرهای بزرگ که عکس متوفیان اغلب نوجوان و ناکام را بر خود دارد، با گام برداشتن در خیابان‌ها و کوچه‌ها به چشم می‌خورد (بیات‌ریزی، و تسلیمی‌تهرانی، ۱۳۹۶: ۳۹-۳۷). البته اخیراً علاوه بر سطح شهر و رسانه‌هایی چون تلویزیون و رادیو، در فضاهای نوینی مثل فضای مجازی و غیره نیز شاهد بازنمایی فقدان و واکنش‌های داغدیدگان نسبت به رخداد فقدان در قالب پروفایل‌هایی به رنگ مشکی یا ایرانم تسلیت و غیره هستیم. آداب و شعائر مربوط به مرگ چون مراسم و روش‌های تدفین در جوامع و ادیان مختلف و در گذر زمان تغییراتی به خود دیده است. در کلیه تمدن‌هایی که پدیده مرگ با مراسم و آیین خاکسپاری همراه بوده است، گورستان‌هایی شکل گرفته است که از جنبه‌های مختلفی چون معماری، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تأمل‌برانگیز هستند (مسعودی‌اصل، ۱۳۹۵). داغدیدگان برای دفن اموات خواسته یا ناخواسته با مکان گورستان مواجه می‌شوند. گور به‌عنوان مکانی که یک انسان در آن آرمیده، برای داغدیدگان نشانه‌ای فیزیکی از متوفی را به یادگار می‌گذارد. گورستان مکانی است که می‌تواند تجربه‌های مشترکی را برای داغدیدگان به نمایش گذارد (حقیر و شوهانی‌زاد، ۱۳۹۰: ۴-۳). بنابراین گورستان به‌عنوان مکانی که همواره با نگهداشت متوفیان، نشان از گریزناپذیری مرگ دارد و داغدیدگان از ابتدای داغدیدگی تا سال‌ها ممکن است در آن حضور داشته باشند، حائز اهمیت است. اینکه حضور داغدیدگان در گورستان تا حدی ریشه در مذهب و سنت دارد، قابل‌پذیرش است، اما اینکه در گذر از داغدیدگی و سازگاری با فقدان چه نقشی دارد؟ قابل تأمل است. علاوه بر این توجه به گورستان و فاصله مکانی آن تا شهر و حتی مراسم تشییع و خاکسپاری در فهم رازآلودگی و غرابت مفهوم مرگ

و یا به نظر نوربرت الیاس به حاشیه رانده شدن مرگ از هیاهوی زندگی روزمره نقش دارد. چنانچه در شهری مانند تهران شاهد کم‌رنگ شدن مراسم ترحیم و نادیده گرفته شدن مراسم هفت، شب چهلم و شب سال در میان خانواده‌ی درگذشتگان هستیم؛ حتی قبرستان اصلی شهری مانند تهران از شهر فاصله‌ی فراوانی دارد و این حاکی از وضعیت بینابین و نسبی مفهوم مرگ در میان شهروندان تهرانی دارد (کلانتری و تسلیمی‌طهرانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۵). این در حالی است که در شهر یزد نمادهای مرگ، مراسم تشییع و خاکسپاری، انجام مراسم هفت، چهل، سال و حتی سالگرد و عید اول بعد از فوت عضوی از خانواده همچنان پررنگ است. در کنار این عوامل، بستر شهر یزد به‌عنوان یک شهر مشهور به سنتی و مذهبی، همیشه همراه با جلسات مذهبی و پرشور روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی در سرتاسر سال بوده است. این امر نه در روضه‌ها و نوحه‌خوانی‌ها بلکه در ادای نذرهای عمومی و بزرگ در سطح شهر نیز کاملاً هویداست. به‌طوری که در مناسک مذهبی، فارغ از شهادت، میلاد یا ... اکثر کوچه‌ها و خیابان‌ها نمادهای مذهبی و سنتی در آن برپاست. همه این موارد مناسک مربوط به مرگ را پررنگ‌تر و خاص‌تر می‌کند. این تفاوت‌ها به همراه آنچه در مورد بستر شهر یزد خواهید خواند، دغدغه‌مندی پژوهش حاضر را نسبت به مسئله پژوهش در شهر یزد بیان می‌کند.

بنابراین آیین‌های کفن و دفن می‌تواند دو کارکرد برقراری ارتباط میان زندگان و عالم مردگان و تسهیل بازسازی و از سرگیری مجدد زندگی در داغدیدگان را به همراه داشته باشد (لطیفی، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۶). افزون بر آسیب‌پذیری داغدیدگان و پیامدهای جبران‌ناپذیر فقدان‌های ناگهانی بر ساختار خانواده و جامعه، در جامعه ایران شاهد وسعت‌یافتن گورستان‌هایی هستیم که با حجم قابل‌توجهی از اموات پوشانده شده است. از طرف دیگر حضور خانواده‌های مصیبت‌زده و مراسم سوگواری و مرثیه‌خوانی، سنگ مزارهای گران‌قیمت و اغلب حاوی مضمون‌های دینی نیز در گورستان‌ها از جنبه‌های گوناگونی قابل تأمل هستند. هدف اصلی مقاله حاضر نیل به درک عمیق جامعه‌شناسانه از برهم‌کنش داغدیدگان با متوفی در بستر گورستان و بازتفسیر گورستان و فضا و تعاملات اجتماعی از منظر داغدیدگان بوده است. لذا برای فهم و کشف کنش‌های داغدیدگان در گورستان و نقش گورستان در گذر از داغدیدگی به‌عنوان یکی از بسترهای نخستینی که داغدیدگان در آن قرار می‌گیرند، این مطالعه طراحی شده است. به‌منظور نیل به این مهم، سوالاتی اعم از ۱- چه شرایطی حضور داغدیدگان در گورستان را معنا می‌بخشد و آن را مسئله‌مند می‌کند؟ ۲- داغدیدگان چه کنش‌هایی در گورستان انجام می‌دهند؟ و ۳- استراتژی‌های داغدیدگان چه پیامدهای برای آن‌ها به دنبال دارد؟ در طول پژوهش مورد استفاده و بازاندیشی مداوم قرار گرفت.

### چارچوب مفهومی

معانی شکل گرفته از مرگ و مواجهه افراد با واقعه مرگ در بستر اجتماعی شکل گرفته است. با توجه به تأثیرگذاری دین و اعتقادات مذهبی بر تفکر درباره مرگ و نگرش به آن و پذیرش

مرگ، جامعه‌شناسی مرگ به‌عنوان زیر شاخهٔ جامعه‌شناسی دین مورد توجه قرار گرفته است (قانع‌راد و کریمی، ۱۳۸۵؛ به نقل از یوسفی و تابعی، ۱۳۹۰: ۴۳). مالینوفسکی در همین راستا پیوندی میان دین و مرگ برقرار می‌کند و دین و حتی جادو را در تسکین اضطراب ناشی از عدم قطعیت و حتی به‌عنوان ضرورتی در رویارویی با فشارها و تنش‌های زندگی دارای کارکرد می‌داند، همان‌گونه که در اکثر موارد داغدیدگان در مواجهه با مرگ عزیزانشان به‌منظور کاهش ناراحتی عاطفی ناشی از آن به مذهب متوسل می‌شوند. در همین راستا مناسک تدفینی که به دنبال مرگ عزیزی در اکثر ادیان به چشم می‌خورد، در کاهش اضطراب‌های ناشی از رخداد مرگ و غلبهٔ بر عواطف مخربی چون ناامیدی، افسردگی، نابودی و نیستی از رهگذر به تعادل رساندن عواطف و بازتأیید و تقویت اعتقاد به جاودانگی روح، مثمرتر دانسته شده است. مالینوفسکی معتقد است کنش دینی و مناسک مرتبط با آن که پیرامون مرگ و سوگواری به چشم می‌خورد، ناظر بر کارکرد تخلیه‌کنندگی دین است (زمانی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۳۵-۳۳). مالینوفسکی دلیل همراهی مناسک با بحران‌های عمدهٔ زندگی چون مرگ را در نقشی می‌داند که این مناسک عمدتاً مذهبی در برخورد با تنش‌ها، اضطراب‌ها و ابهام‌ها و چالش‌های زندگی ایفا می‌کنند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۹۰، به نقل از سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۵). اما در چند قرن اخیر به واسطهٔ فاصله‌گرفتن از جامعهٔ سنتی و ظهور مدرنیته، از منظر متفکرانی چون فیلیپ آریه، نوربرت الیاس و سایرین، مرگ و دین تا حدودی از یکدیگر فاصله گرفته‌اند (مزیانی‌شریعتی و تسلیمی‌طهرانی، ۱۳۹۵: ۳). تابو بودن مرگ و به حاشیه رانده شدن مرگ در جامعهٔ مدرن در آراء متفکرانی چون کوبلر راس و بودریار به چشم می‌خورد. از آنجایی که در رسانه‌ها نیز مرگ به‌عنوان پدیده‌ای وحشتناک، ناخواسته، غم‌انگیز و به‌ندرت آرامش‌بخش بازنمایی می‌شود، شاهد تلاش انسان‌ها برای کنترل مرگ و گریز از آن هستیم، که همین نگرش نسبت به مرگ، سختی پذیرش مرگ را نیز افزون می‌کند (کوبلر راس، ۱۳۷۹: ۱۷ و ۱۳۷۸: ۱۱۲-۱۱۸، به نقل از کریمی، ۱۳۸۷: ۴-۳).

فیلیپ آریس نشان می‌دهد که هر چه از قرون وسطی به قرون بیستم نزدیک می‌شویم، ترس از مرگ در میان انسان‌ها بیشتر شده و از تسلیم منفعلانه در برابر مرگ و ایمان عارفانه به آن، که در قرون وسطی در میان انسان‌ها رایج بود، کاسته می‌شود. آریس از پایان سدهٔ هجدهم تا بیستم نشان می‌دهد که برخلاف گذشته، بازدید از قبرستان‌ها در فرانسه و ایتالیا به ماندگارترین عمل مذهبی بدل شده است. درواقع حتی آن‌هایی که به کلیسا نمی‌رفتند، به قبرستان می‌رفتند و به گذاشتن گل بر سر قبرها عادت داشته‌اند؛ لذا آیین‌های مربوط به قبرستان‌ها اگرچه آیینی شخصی است، اما از ابتدا آیینی جمعی بوده است (آریس، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۸۰).

## ادبیات پژوهش

در جامعهٔ ایران جامعه‌شناسی مرگ در حاشیه مانده است و جز در مواردی چون نگرش به مرگ محترمان و بیماران در حال مرگ و یا پیامدهای روانی-اجتماعی فقدان، تحقیقات جدی

انجام نگرفته است (زمانی مقدم، ۱۳۹۵: ۵۶). گورستان نیز از جوانب معماری و توسعه پایدار و یا نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبر مورد توجه محققان قرار گرفته است. در مقاله حاضر تحقیقات انجام گرفته در مورد پدیده مرگ و آیین‌های خاکسپاری و گورستان‌ها مرور شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

محدثی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که مادران در مواجهه با مرگ پری‌ناتال، با توجیه خود، سعی در فراموشی این واقعه کرده و در طول پیمودن این فرایند و برای امیدواری به بارداری آینده نیاز به درک‌شدن دارند. رحمانی و قربانی (۱۳۹۶) دو الگوی پیشامدرن مبتنی بر عقلانیت ارزشی یعنی ارزش‌های دینی و ثواب اخروی و مدرن مبتنی بر عقلانیت ابزاری برای بوروکراسی بهشت زهرای سازمانی شده را در برگزاری آیین‌های مرگ نشان دادند. یافته‌ها بوروکراتیک‌شدن پدیده تدفین مبتنی بر روابط ناشناس و تقسیم‌کار ارگانیکی را نشان داد. صفی‌خانی، احمدپناه، و خدادادی (۱۳۹۳) نشان دادند که نقوش، صرفاً جنبه تزئینی نداشته و می‌تواند به‌عنوان سندی، ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی دوران را آشکار سازد. پان، لیو، و لی (۲۰۱۶) با بررسی بستر رشد پسا آسیب‌زا (PTG) در والدین مسن چینی که تنها فرزند خود را از دست دادند، ویژگی‌های PTG مرتبط با آسیب (سن کودک در زمان مرگ، سن والدین در زمان مرگ کودک و علت مرگ) را کشف کردند. کاستل و فیلیپس (۲۰۰۳) نشان دادند که اجرای مراسم شایسته خروجی‌های مهم مثبتی برای شرکت‌کنندگان و تسهیل‌سازی با فقدان به دنبال خواهد داشت، که عوامل مختلفی برای موفق بودن مراسم حائز اهمیت هستند. گودموندس‌دوتیر، مارتینسون و مارتینسون (۱۹۹۶) در پژوهشی با بررسی فعالیت‌های ۲۵ خانواده‌تایوانی به دنبال مرگ کودک‌شان ۱۰ فهرست شامل: مراقبت از جسد، سازماندهی کردن خاکسپاری، لباس‌های عزاداری، خاکستر، تابلوی روح، متعلقات کودک، اتاق کودک، بازدید از مزار یا مقبره، رویاها و صحبت کردن در مورد مرگ کودک مشخص می‌کنند. یافته‌ها همچنین حاکی از اجرای ساده این مراسم پس از مرگ یک کودک، در مقایسه با مرگ بزرگسالان، و اهمیت این مراسم در طی دوره پس از مرگ هستند. مکون (۱۹۸۴) در پژوهشی نشان داده است کودکانی که در مراسم خاکسپاری شرکت کردند، در مقایسه با کودکانی که در این مراسم شرکت نکردند، مشکلات رفتاری از خود بروز داده‌اند و این مشکلات رده‌های سنی جوان‌تر و خانم‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. با مرور پژوهش‌های مرتبط با آیین‌های خاکسپاری، متوجه نیاز بیشتر به تحقیقات مرتبط با گورستان و نقش آن در فرایند گذر از داغ‌دیدگی هستیم، تا بتوان با اطمینان بیشتری در مورد فرایند حضور در گورستان و نقش آن در تسهیل‌سازی و از سرگیری زندگی یا تشدید سوگ در داغ‌دیدگان اظهار نظر کرد.

## روش‌شناسی

در مطالعه حاضر، از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. نمونه‌گیری به صورت نظری و هدفمند بوده است. جامعه هدف شامل داغ‌دیدگان درجه یک است که حداقل

چهار ماه و حداکثر چهار سال از فوت عزیزانشان گذشته است. لذا با ۲۸ داغ‌پدیده‌ای که با فقدان ناگهانی عزیز یا عزیزانشان مواجه شده‌اند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌عمیقی صورت گرفت. فرایند گردآوری داده‌ها به صورت همزمان با تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌ها تحت سه فرایند کدگذاری باز<sup>۱</sup>، محوری<sup>۲</sup> و گزینشی<sup>۳</sup> به دقت تحلیل شده و در قالب خط داستان و مدل پارادایمی ارائه شده است. شایان ذکر است که صحت و قابلیت اعتماد پژوهش با رعایت چهار معیار اعتبار‌پذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری تضمین شد. اغلب داغ‌دیدگان مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر دارای نسبت مادر، همسر، فرزند، خواهر و ... با متوفی بوده‌اند، که گاهی برخی از آن‌ها با داغ همزمان چند عضو خانواده‌شان و یا با چندین داغ در فاصله زمانی کوتاهی بعد از وقوع فقدان اول و یا با فوت تنها فرزند و عموماً فرزند پسر خانواده مواجه شده بودند. افزون‌براین داغ‌دیدگان از مناظر گوناگون سنی، تحصیلی، شغلی، مدت زمان سپری شده از فقدان، عوامل منجر به فوت، نسبت خانوادگی با متوفی و حتی سکونت در نقاط مختلف شهر، از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. مشارکت‌کنندگان پژوهش به لحاظ سنی در دامنه ۱۸ سال تا ۶۵ سال قرار دارند. از منظر عوامل منجر به فوت می‌توان به مواردی شامل مردن بر اثر غرق‌شدگی، قتل، سانحه رانندگی و در مواد اندکی اشتباه دارویی یا پزشکی، سکته قلبی، سرطان و برخی دیگر از بیماری‌ها اشاره داشت. فرایند دسترسی به نمونه‌ها، انجام مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها بالغ‌بر چهارماه، یعنی از ۲۹ بهمن‌ماه سال ۱۳۹۶ تا ۲۱ خردادماه سال ۱۳۹۷ به طول انجامید. دامنه زمانی هر مصاحبه از ۱۵ دقیقه تا سه ساعت و نیم متغیر بود که تفاوت زمانی مصاحبه‌ها گاهی ناشی از وقت پاسخگو، میزان تجارب غنی او و میزان تمایل او برای بیان تجارب خود بود. درنهایت باید گفت پژوهش حاضر در شهر یزد انجام شده است. شهر یزد در جایگاه یکی از استان‌های مرکزی اخیراً به حسینیّه ایران به معنای برگزاری مراسم عزاداری باشکوه برای امام حسین (ع) شهرت یافته است. از سویی دیگر با توجه به مقایسه‌هایی که بین آداب و رسوم شهرهای مختلف ایران صورت گرفته است، شاهد بها دادن بیشتر شهروندان یزدی به عزاداری و ماتم برای رفتگان در مقایسه با سایر شهرها هستیم.

---

1. Open Coding

2. Axial Coding

3. Selective Coding

جدول ۱: یافته‌های توصیفی

شماره	اسامی مستعار	وضعیت شغلی	نسبت داغدیده با متوفی یا متوفیان	مدت زمان گذشت از فقدان
۱	فرزانه	خانه‌دار	خواهر و فرزند	۳-۴ سال
۲	آزاده	کارمند	مادر	کمتر از یکسال
۳	هانیه	کارمند	مادر	۳-۴ سال
۴	نازگل	دانشجو	فرزند	۲-۱ سال
۵	نعیمه	دانشجو	فرزند	۴-۳ سال
۶	مهتاب	کارمند	مادر	۲-۱ سال
۷	مرضیه	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۸	طاہره	کارمند	مادر	۴-۳ سال
۹	بهاره	خانه‌دار	مادر	۴-۳ سال
۱۰	ریحانه	خانه‌دار	فرزند	۴-۳ سال
۱۱	نوبهار	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۱۲	زینب	کارمند بازنشسته	مادر	۴-۳ سال
۱۳	سمانه	خانه‌دار	مادر	کمتر از یکسال
۱۴	کبری	کارمند	همسر	کمتر از یکسال
۱۵	مژگان	کارمند	فرزند	کمتر از یکسال
۱۶	مینا	کارمند	همسر	کمتر از یکسال
۱۷	زهرا	خانه‌دار	مادر	۴-۳ سال
۱۸	اعظم	خانه‌دار	مادر بزرگ	کمتر از یکسال
۱۹	مهین	کارمند بازنشسته	مادر	۲-۱ سال
۲۰	سمیرا	خانه‌دار	مادر	۲-۱ سال
۲۱	مهری	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۲۲	فاطمه	کارمند	مادر	۲-۱ سال
۲۳	خدیجه	خانه‌دار	مادر	۲-۱ سال
۲۴	شیما	دانشجو	فرزند	۲-۱ سال
۲۵	سوسن	خانه‌دار	مادر	کمتر از یکسال
۲۶	شمسی	خانه‌دار	خواهر و فرزند	۴-۳ سال
۲۷	راضیه	خانه‌دار	همسر	۲-۱ سال
۲۸	فائزه	خانه‌دار	مادرشوهر	کمتر از یکسال

### یافته‌های پژوهش

در مقاله حاضر با بررسی دقیق گزاره‌ها در فرایندی طولانی و زمان‌بر، ۸۴ مفهوم و ۴۰ مقوله فرعی، ۲۴ مقوله اصلی و یک مقوله هسته تحت عنوان برهم‌کنش و اساسانۀ داغدیده/متوفی در گورستان برساخت شده است.

جدول ۲: فرایند استخراج مقوله هسته (مفاهیم، مقولات فرعی، اصلی و هسته)

مقوله هسته	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم	
برهمکنش واسازانه داغدیده/متوفی در گورستان	ناهمسانی عاطفی بسترمند از حضور در گورستان	تمایلات بسترمند به حضور در گورستان	تمایل بنیادین به حضور در گورستان	
			تمایل به حضور در گورستان بواسطه دلتنگی	
			تمایل به حضور در گورستان بواسطه عصبی بودن	
			تمایل به حضور در گورستان بواسطه مواجهه با مشکلات زندگی	
		عدم تمایل به حضور در گورستان برای حقیقت‌جویی		
	آرامش حضور	آرامش حضور	عدم تمایل به حضور در گورستان	
			آرام‌شدن با گریه در گورستان	
	بی‌تابی از احیای سوگ	بی‌تابی حضور	آرام‌شدن با رفتن به گورستان	
			بی‌تاب‌شدن از رفتن به گورستان	
			بی‌تاب‌شدن از دیدن عکس متوفی بر قبر	
			بی‌تاب‌شدن از دیدن بی‌قراری مادر در گورستان	
		برانگیختگی هیجانانگیز منفی بواسطه هم‌افزایی سوگ	عصبی‌شدن با حضور در گورستان	عصبی‌شدن بواسطه هم‌افزایی سوگواری سایر عزاداران
				عصبی‌شدن از پامال‌شدن سنگ قبر متوفی
	مباحثات حضور/عدم حضور در گورستان	مباحثات حضور/عدم حضور در گورستان	احیای سوگ با مرثیه خوانی مرسوم در گورستان	
			ممانعت خانواده از مراجعه داغدیده به گورستان	
			مباحثه بر سر اولویت رفتن یا نرفتن به گورستان	
	رضایت‌مندی از مکان گورستان	رضایت‌مندی از مکان گورستان	مباحثه بر سر رفتن یا نرفتن به گورستان	
			اهمیت مکان گورستان در نظر داغدیده	
	رضایت‌مندی از مکان گورستان	رضایت‌مندی از مکان گورستان	رضایت‌مندی از مکان گورستان	
			شرطی‌شدن در مراجعه به گورستان	
	شرطی‌شدن در مراجعه به گورستان	شرطی‌شدن در مراجعه به گورستان	شرطی‌شدن در مراجعه به گورستان	
			مخالفت با ممانعت دیگران از گریه داغدیده در گورستان	
	بازتفسیر عاطفی منفی از کنش‌های روزمره دیگران در گورستان	بازتفسیر عاطفی منفی از کنش‌های روزمره دیگران در گورستان	مخالفت با ممانعت دیگران از نگاه مردم در گورستان	
ناخوشایندی داغدیده از نگاه مردم در گورستان				
ناخوشایندی از گفت‌وگوهای این‌دنیایی و همراه با خنده در گورستان				
آزادیدگی از قضاوت دیگران در گورستان				
باورهای ماوراءالطبیعه از خاک و عاملیت متوفی	باور به قدرت عاملیت متوفی در اثرگذاری بر داغدیده	باور به قدرت عاملیت متوفی در برآورده‌شدن خواسته‌ها در گورستان		
		باور به قدرت عاملیت متوفی در محدودسازی مراجعه داغدیده به گورستان		



برساخت اجتماعی پروبلماتیک حضور داغدیده در گورستان... ۱۵

	باور ماوراءالطبیعه به مرهم داغ بودن خاک گورستان	باور ماوراءالطبیعه به مرهم داغ بودن خاک گورستان
ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان	ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان	تضعیف روحیه با سنگ‌شدن خاک متوفی
		عدم تمایل به حضور در گورستان با سنگ‌شدن خاک متوفی
		ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان
توصیه‌های غیروابستگی در محدودسازی مراجعه به گورستان	توصیه‌های غیروابستگی در محدودسازی مراجعه به گورستان	توصیه داغداران غیر وابسته به داغدیده برای رفتن به گورستان
		توصیه همسایگان داغدیده در محدود سازی رفتن به گورستان
		توصیه دوستان داغدیده در محدودسازی رفتن به گورستان
		توصیه سایر عزاداران در گورستان به داغدیده برای نبردن کودک به گورستان
		توصیه دوستان متوفی در گورستان به داغدیده برای بازگشت به زندگی
فشار هنجاری-سنتی برای حضور در گورستان	فشار هنجاری-سنتی برای حضور در گورستان	رفتن به گورستان بواسطه گریز از قضاوت‌های مردم
		سنت حضور در گورستان
		گورستان گمینشافت
تکالیف دینی در گورستان	تکالیف دینی در گورستان	پاداش دینی برای رفتن به گورستان
		ماندن در گورستان جهت انجام مناسک دینی
		مکروه بودن خیرات در گورستان
عوامل دافعه گورستان	دوری از گورستان	دوری از گورستان
	نامنی کالبدی گورستان	تغییرات گورستان و کاهش رفتن به گورستان
	ناتوانی بدنی و کاهش رفتن به گورستان	احساس نامنی و کاهش رفتن به گورستان
	ترس از فقدان مجدد و کاهش رفتن به گورستان	ناتوانی بدنی و کاهش رفتن به گورستان
تسهیل‌گران حضور در گورستان	فراغت بیشتر و افزونی حضور در گورستان	فراغت بیشتر و افزونی حضور در گورستان
	نزدیکی به گورستان و افزونی حضور در گورستان	نزدیکی به گورستان و افزونی حضور در گورستان
پروبلماتیک حضور در گورستان	حضور مداوم در گورستان	حضور مداوم در گورستان
		رفتن به گورستان در شب
		حضور در گورستان در مناسبت‌های دینی غم‌انگیز اولویت حضور در گورستان در مناسبت‌های شاد و گردشگری

	حضور محدود در گورستان	حضور محدود در گورستان
توسعهٔ مناسک غیر دینی	فعالیت‌های مناسکی در گورستان	گرفتن تولد متوفی در گورستان
	فعالیت‌های زیبا شناختی در گورستان	گرفتن مناسبت‌های شاد در گورستان
		آراستن قبر متوفی با گل
		محافظت از قبر متوفی
خیرات مادی- معنوی در گورستان	خیرات مادی- معنوی در گورستان	خیرات مادی در گورستان
		خیرات معنوی در گورستان
برساخت زندگی در گورستان	وابسته کردن خواب و خوراک خود به حضور در گورستان	خوابیدن در گورستان
		غذا خوردن در گورستان
	برهمکنش روایتی با متوفی در گورستان	حرف زدن با متوفی در گورستان
		پاداوردن عدم فراموشی به متوفی در گورستان
	درد و دل با متوفی در گورستان	
مدیریت حضور در گورستان	مدیریت زمان حضور در گورستان	حضور در گورستان در زمان خلوت
		نرفتن به گورستان در شب بخاطر ترس
	مدیریت میزان حضور در گورستان	تلاش برای کاهش رفتن به گورستان
		اجتناب از حضور در گورستان
		نرفتن به گورستان بخاطر متوفی
	نرفتن به گورستان بخاطر آرامش اطرافیان	
مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات	مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات	خیرات کردن در مکانی غیر از گورستان
		جایگزینی خیرات معنوی در خانه به جای گورستان
		جایگزینی خیرات معنوی در حرم ائمه به جای گورستان
گسترش ارتباطات وابسته به گورستان	گسترش ارتباطات وابسته به گورستان	تعامل با سایر داغداران در گورستان
		انتقال دوره‌می به گورستان
تشدید بیماری‌های پیشین	تشدید بیماری‌های پیشین	تشدید بیماری‌های پیشین
تنظیم عواطف	احساس قرار عاطفی در گورستان	رفع دل‌تنگی با رفتن به گورستان
	طراوت روحی با دیدن گل‌های اطراف قبر متوفی	آرام‌شدن با خوابیدن در گورستان و لمس سنگ قبر
سازگاری با اپوخه گورستان	سازگارشدن با منطق مادی	سازگارشدن با منطق مادی
	همسان‌پنداری شرایط با سایر داغداران	همسان‌پنداری شرایط با سایر داغداران
	اپوخه گورستان	اپوخه گورستان

## خط داستان

داغ‌دیدگان در مواجهه با فقدان ناگهانی عزیزانشان، احساسات گوناگونی چون غم و ناراحتی را تجربه کرده و این احساسات متناسب با هنجارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی به طرق گوناگونی مجال بروز یافته، تعدیل یا سرکوب می‌شود. در این قسمت، مفاهیم و مقولاتی که برای ارائه خط داستان طراحی شده‌اند، به ترتیب شرح داده شده‌اند.

### ناهمسانی عاطفی بسترمند از حضور در گورستان

سیر جریان داستان مقاله حاضر از ناهمسانی عاطفی بسترمند از حضور در گورستان شروع می‌شود؛ چراکه تمایلات ناهمسانی را بنابر دلایل وابسته به بستر چون دلتنگی، عصبی بودن، مواجهه با مشکلات زندگی و غیره در داغ‌دیدگان شاهد هستیم. لذا با تمایل به حضور در گورستان و عدم تمایل به حضور در گورستان در برخی داغ‌دیدگان مواجهیم. «شمسی» که داغ همزمان پدر و مادر و برادرش را دیده است، بواسطه احساس دلتنگی تمایل به حضور در گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند «دلتنگی بیشتر برای مادری که منو میکشونه سمت گورستان». از طرف دیگر مرضیه که کودکش را در حادثه‌ای از دست داده است، عدم تمایل به حضور در گورستان را این‌چنین به تصویر می‌کشد: «من اصلاً سر قبرش خشم نی خوشایندم نیست» برم؛ هیچ حس خوبی ندارم سر قبرش، میگم این خو مثلاً آدم گنده بزرگ نبوده، گناه داشته باشه که بری بالا سرش یه چیزی بخونی؛ میگم این خو که که این زیر نی که برم خودمو بندازم رو قبر و گریه کنم و بی و بار جیغ و فریاد کنم؛ اصلاً قبول ندارم اون این زیره».

### آرامش حضور

به‌طور کلی این ناهمسانی عاطفی در کنار برخی شرایط، حضور در گورستان را تقویت و تشدید و یا محدود و تضعیف می‌کند. یعنی حضور در گورستان می‌تواند مداوم، یا محدود و مناسبت محور باشد. چنانچه وقتی داغ‌دیدگان بواسطه حضور و برون‌ریزی عاطفی در گورستان آرام می‌شوند، حضورشان در گورستان تقویت می‌شود. نعیمه که با فقدان غیرمنتظره پدرش مواجه شده است، این‌چنین آرامش حضور در گورستان را به تصویر می‌کشد: «عصبی که اصلاً، آرام‌تر میشم، سر خاکش که میرم آرام‌تر میشم».

### بی‌تابی از احیای سوگ

اما داغ‌دیدگانی که بواسطه حضور در گورستان و مواجهه با عکس روی قبر متوفی و مرثیه‌خوانی‌های مرسوم و چنین چیزهایی بی‌تاب و عصبی شده و به عبارت بهتر هم‌افزایی و برانگیختگی هیجانات منفی را به‌واسطه حضور در گورستان تجربه کرده‌اند، حضور محدود و مناسبت‌محوری در گورستان داشته‌اند. ریحانه که پدرش را به‌طور ناگهانی از دست داده است، بی‌تابی از احیای سوگ بواسطه حضور در گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «من بدتر می‌شدم؛ من برم سر خاکش که می‌شینم یعنی الان ۴ ساله گذشته، شروع می‌کنم مثل روز اول گریه کردن؛ باورم نمی‌شه که اینجا زیر این خاک باشن».

### ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان

ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان و عدم تحمل به رخ کشیده شدن واقعیت فقدان در گورستان با تقویت عدم تمایل به حضور در گورستان در برخی داغدیدگان به حضور محدود در گورستان دامن می‌زند. چنانچه ریحانه نیز ناتوانی مواجهه با واقعیت گورستان و به دنبال آن حضور محدود در گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «با واقعیت روبرو میشی؛ اصلاً نمی‌تونی تحمل کنی».

### مباحثات حضور/عدم حضور در گورستان

افزون بر در ناتوانی مواجهه مذکور، تفاوت‌های که بر سر اولویت‌بندی حضور در گورستان بین اعضای خانواده برخی داغدیدگان وجود دارد و مباحثاتی که بر سر رفتن یا نرفتن به گورستان بین اعضای خانواده شکل می‌گیرد، در تضعیف حضور در گورستان نقش داشته است. هانیه که فرزندش را از دست داده است، مباحثه بر سر حضور در گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «خیلی وقتاش اصلاً شوهرم نفهمیده بود؛ بعد از مدتی شوهرم گفت چرا فکر آبرو من نمی‌کنی؛ ساعت ۴ میری سر خاک، نمی‌گی یهو یه کسی یه بلایی سرت میاره».

### شرطی شدن در مراجعه به گورستان

وجود نوعی الزام و شرطی شدن برای حضور در گورستان در برخی داغدیدگان نیز به چشم می‌خورد. داغدیدگان به دلایل مختلف حضور در گورستان را برای خود شرطی می‌کنند؛ گاهی با حضور در گورستان دریافت آرامش را به‌عنوان پاداش حضورشان در گورستان قلمداد می‌کنند. ولی شرطی شدن در رفتن به گورستان و تعهد به آن فارغ از به همراه داشتن پاداش در برخی داغدیدگان وجود دارد و در تقویت حضور در گورستان نقش خواهد داشت. شمسی این‌چنین شرطی شدن در مراجعه به گورستان را به تصویر می‌کشد: «گر یک روز یه اتفاقی برای خودمون می‌افتد که حالمون خوب نبود و نمی‌رفتم گورستان، فکر میکردم که هر جور یه امروز باید برم؛ اگر صبحه، روزه، شبه، باید برم».

### فشار هنجاری - سنتی برای حضور در گورستان

در کنار شرطی شدن و تعهد درونی برای حضور در گورستان در برخی داغدیدگان، وجود نوعی فشار هنجاری - سنتی نیز برای حضور در گورستان به تقویت حضور در گورستان دامن می‌زند. این فشار در گورستان‌های گم‌ینشافت‌گونه در محلات و مناطق خاص که هنوز روابط اجتماعی بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و نظایر آن قرار دارد، بیشتر به چشم می‌خورد. به واسطه استقرار همین روابط در گورستان، قضاوت‌ها و نگاه مردم در نظر داغدیدگان اهمیت داشته و خواسته یا ناخواسته آن‌ها را به نمایش خود آنچنان که دیگران انتظار دارند وامی‌دارد، که همین امر می‌تواند در داغدیدگان نوعی تناقض و دوگانگی دلیل حضور در گورستان را شکل دهد. فاطمه که فرزندش را از دست داده است؛ این‌چنین فشار هنجاری - سنتی برای حضور در گورستان را به تصویر می‌کشد: «خودت می‌خواهی بری؛ ولی اینکه می‌بینی نگاه‌های دیگرانم مهو صحبت‌های دیگرانم هه؛ یه دلیل دیگه‌ش هم اینه که به دیگران ثابت کنی؛ یه جورایی

تعارض داره؛ نمی‌دونم واقعاً حس خودمه که منو می‌کشونه اونجا یا قضاوت دیگرانه؛ دوتا پیش باهم هست».

### بازتفسیر عاطفی منفی از کنش‌های روزمره دیگران در گورستان

در این میان برخی کنش‌ها چون نگاه ترحم‌آمیز دیگران، مخالفت با گریه داغدیده، گفت‌وگوهای این دنیایی و همراه با خنده اطرافیان، قضاوت‌ها و کنج‌های دیگران حاضر در گورستان و غیره به گونه‌ای آزاردهنده و منفی توسط برخی داغدیدگان برساخت می‌شود. سوسن که علاوه بر داغ هم‌زمان پدر و مادر و برادرش، همسرش را نیز از دست داده است، ناخوشایندی گفت‌وگوهای این دنیایی و خنده اطرافیان را بازتفسیر می‌کند: «من دوست دارم یک ساعت، دوساعتی که سر خاکم فقط قران بخونم و اگر هم یه کسی اومد برای احوال‌پرسی، سلام و حالتون چطوره، دیه {دیگر} صحبت نکنم، ولی متأسفانه اینجوری نیست؛ همه یکی فاتحه موخونن {می‌خوانند} و بعد می‌شینن سه تا سه تا حرف مزین».

### رضایت‌مندی از مکان گورستان

مکان گورستان به عنوان محلی که داغدیدگان بواسطه دفن عزیزشان و یا حتی دیگران در آن حضور می‌یابند از اهمیت خاصی در نظر برخی از داغدیدگان برخوردار است. لذا داغدیدگانی که از مکان گورستان راضی بوده و در آن مکان احساس امنیت می‌کردند و از حضور در گورستان ترسی نداشته‌اند، حضور مداومی را در گورستان داشته‌اند. مهتاب که تنها پسرش را به دلیل خفگی در استخر از دست داده است، این رضایت‌مندی را این‌چنین بازنمایی می‌کند: «اینجا می‌بینید اصلاً ترس نداره؛ خشه خیلی خشه، اینقدر خشه، مثلاً هر وقت بیای نمی‌ترسی؛ نمی‌ترسیدم؛ اما خلدبرین آدم می‌ترسه؛ خیلی ترسناکه، نمی‌شه بری؛ من اینجا صبح میام؛ ظهر میام؛ یهو می‌بینی شب میام».

### باورهای ماوراءالطبیعه از خاک و عاملیت متوفی

به نظر می‌رسد برخی داغدیدگان دارای انواعی از باورهای ماوراءالطبیعه در ارتباط با گورستان و متوفی هستند، که میزان حضور خود را تا حدی بدان مربوط می‌دانند. چنانچه گاهی برخی داغدیدگان برای برآورده شدن خواسته‌هایشان به گورستان رفته و از متوفی برآورده شدن خواسته‌شان را طلب می‌کنند و یا اعتقاد دارند که خاک گورستان سرد بوده و با حضور در گورستان به تدریج از غم فقدانشان کاسته شده و سازگار می‌شوند و در نتیجه حضورشان محدود می‌شود. فرزانه که داغ هم‌زمان مادر و برادرش را تجربه کرده، این‌چنین باور به عاملیت متوفی را بازتعریف می‌کند: «من هر آرزویی داشتم از ننه {مادر} گرفتم، از گورستان گرفتم؛ وقتی رفتم و حرف زدم حاجتم روا شده».

### تکالیف دینی در گورستان

در این میان با توجه به بافت مذهبی جامعه ایران و شهر یزد، بعضی تکالیف دینی در گورستان ممکن است به تقویت حضور در گورستان دامن زند، مثل پاداش دینی رفتن به گورستان و بعضی نیز مانند مکروه دانستن خیرات در گورستان ممکن است به تضعیف حضور در گورستان

کمک کند. چنانچه فرزانه در اینجا پاداش دینی رفتن به گورستان را خاطر نشان می‌کند: «صبح جمعه میگن چه بری کربلا، چه بری سر قبر پدر و مادرت».

### عوامل دافعه گورستان

برخی عوامل چون دوری از گورستان و ناامنی کالبدی گورستان، به‌عنوان عواملی جغرافیایی به دفع حضور در گورستان کمک کرده است. همچنین ناتوانی بدنی و ترس از فقدان مجدد نیز می‌تواند کاهش‌دهنده حضور برخی داغدیدگان در گورستان باشد. مژگان دوری از گورستان را به‌عنوان عاملی که حضورش در گورستان را محدود کرده است، این‌چنین بازنمایی می‌کند: «حالا بچه‌ها میگم مسیروشون نزدیک‌تره، بیشتر می‌رن؛ ولی من دوباره مسیروم دورتره، کمتر می‌رم».

### تسهیل‌گران حضور در گورستان

در کنار عواملی که می‌تواند دفع‌کننده حضور برخی داغدیدگان در گورستان باشد، یک‌سری عوامل چون نزدیکی به گورستان یا فراغت بیشتر نیز می‌تواند تسهیل‌کننده حضور در گورستان باشد. فاطمه این نزدیکی به گورستان را، که تسهیل‌گر حضورش در گورستان بوده، این‌چنین به تصویر می‌کشد: «نزدیک بود دیگه و از یه لحاظ نزدیکیش برام خوب بود؛ دقیقاً خاک فرزند؛ پشت باغمونه، پشت خونه مامانمه، اینقدر نزدیکه، ما مثلاً خونه مامانم که بودیم؛ روزی ۳ بار می‌رفتیم و میومدیم».

### توصیه‌های غیروابستگان در محدودسازی مراجعه به گورستان

با وجود تمایلات بسترمند به حضور در گورستان در برخی داغدیدگان، توصیه‌هایی مبنی بر محدودسازی مراجعه به گورستان از جانب غیروابستگانی چون همسایگان، دوستان و حتی سایر داغداران حاضر در گورستان از سوی داغدیدگان گزارش می‌شود، که در تضعیف حضور آن‌ها در گورستان نقش داشته است. طاهره که فرزندش را از دست داده است، این‌چنین نقش توصیه‌های دیگران در محدودسازی حضور در گورستان را توصیف می‌کند: «حرف‌هایی که دیگران گفتن، باعث شد دیگه کمتر برم».

### پروبلماتیک حضور در گورستان

با توجه به آنچه تاکنون تشریح شد، داغدیدگان به دلیل ناهمسانی عاطفی بسترمند از حضور در گورستان به همراه مجموعه‌ای از محدودکننده‌ها و تشدیدکننده‌ها، با پروبلماتیک حضور در گورستان مواجه می‌شوند. همانطور که مشخص شد، حضور در گورستان برای داغدیدگان مسئله‌ای است که بواسطه سنت، اجتماع، مذهب و تمایلات فردی دچار نوسان می‌شود. لذا داغدیدگان در فرایند گذر از داغدیدگی، گاهی حضوری محدود و مناسبت‌محور و گاهی حضور مداوم در گورستان داشته‌اند. زهرا که فرزندش را در حادثه‌ی رانندگی از دست داده است، این‌چنین حضور مداومش در گورستان را به تصویر می‌کشد: «تا سال هر روز می‌رفتم گورستان، من خود تا سه ماه، صبح و ظهر و شب می‌رفتم؛ سر ظهر گرما می‌رفتم؛ همسایه‌ها می‌گفتن حالا چه وقت گورستان رفته؟ می‌گفتم حالا خلوته گورستان».

اما خدیجه که فرزندش را به دلیل برق‌گرفتگی از دست داده است، حضور محدودش در گورستان را این‌چنین باز‌نمایی می‌کند: «حتی من امامزاده که می‌رفتم، بچه‌م اونجا خاکه، چند باری حتی تو ماشین تا دَمش {نزدیکش} رفتم؛ ولی پیاده نشدم».

همچنین حضور در مناسبت‌های دینی غم‌انگیز و حضور در مناسبت‌های شاد مثل عید نوروز و یا حضور در گورستان قبل از رفتن به سفر در بین برخی داغدیدگان مشاهده می‌شود. طاهره اولویت حضورش در مناسبت‌های شاد را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «عید و اینا هم اولین جایی که میرم سر خاکه بچه‌م، صبح مثلاً به وقتی اگر شوهرمم بیدار نشه، خودم میرم سر خاک و بر می‌گردم، دوباره همراه اون میرم».

### توسعه مناسک غیردینی

حال می‌توان فعالیت‌هایی که داغدیدگان در گورستان انجام می‌دهند را شرح داد. یا توجه به اینکه بخش مهمی از زندگی داغدیدگان در کنار عزیز از دست رفته‌شان با مناسبت‌های شاد و گردش و یا غم‌انگیز گره خورده است، داغدیدگان برای قابل تحمل ساختن تنهایی ناشی از فقدان در چنین مناسبت‌هایی، در گورستان فعالیت‌های مناسکی چون گرفتن تولد متوفی، چیدن سفره هفت‌سین بر قبر متوفی را انجام می‌دهند. افزون‌براین، فعالیت‌های زیباشناختی مثل آراستن قبر متوفی با گل در بین داغدیدگان در گورستان نیز به چشم می‌خورد. به عبارت بهتر، آن‌ها نوعی مناسک غیردینی را در گورستان توسعه می‌دهند. مهتاب این‌چنین توسعه مناسک غیردینی را با گرفتن تولد متوفی در گورستان باز‌نمایی می‌کند: «تولدش اونجا براش گرفتم؛ اولین مراسمی که براش گرفتم دو هفته مونده بود به تولدش که بچه این‌جور شد؛ یعنی ۲۲ مهر تولدش بود؛ ۱۴ مهرم رفت؛ بعد تولدشم همون جا براش گرفتیم».

### خیرات مادی - معنوی در گورستان

در این میان خیرات مادی و معنوی در گورستان از دیگر فعالیت‌هایی است که با توجه به بستر مذهبی جامعه ایران در بین داغدیدگان یزیدی به چشم می‌خورد. خیرات مادی به گرفتن کیک و شیرینی و پخش آن در گورستان و خیرات معنوی به خواندن قرآن، فاتحه و طلب مغفرت در گورستان تعلق دارد. زینب که تنها پسرش را به طرز ناعادلانه‌ای به قتل رسانده‌اند، پایبندی به انجام خیرات مادی در گورستان را این‌گونه بازتعریف می‌کند: «خیلی، من هیچ هفته‌ای نیست که وقتی میرم سر خاک بچه‌م نبرم؛ چیزی هم پُر زیاد می‌سونم {می‌گیرم} میدم کسی».

### برساخت زندگی در گورستان

غالباً داغدیدگان بواسطه فقدان متوفی در مناسبت‌های مختلف با حضور در گورستان و انجام مناسکی سعی در تحمل این فقدان داشتند. افزون‌براین گاهی داغدیدگان برای قابل تحمل ساختن زندگی بدون متوفی، زندگی در گورستان را برساخت می‌کنند. بدین معنا که برخی داغدیدگان با وابسته کردن خواب و خوراک خود به حضور در گورستان و نزدیکی به قبر متوفی، و برهم‌کنشی روایتی با متوفی، زندگی بدون حضور متوفی را یا زندگی در کنار قبر متوفی

برساخت می‌کنند. سوسن با خوابیدن در گورستان، برساخت زندگی را بازنمایی می‌کند: «می‌خوام بخوابم کنارشون فقط، مادر، پدرم هم که اینجور شدن، مرفتم سر قبرشون مخابدم و دست مزارم رو سینه‌شون کسی باشه، نباشه، نم نیست، که کسی ببینه، نبینه؛ خیلیا بهم گفتن هر دفه اومدم گورستان دیدم خوابیدی خیلی ناراحت شدم».

فرزانه برهم‌کنش روایتی را با حرف زدن با متوفی در گورستان این‌چنین بازتعریف می‌کند: «حرفایی که تو زنده‌شون مزدم {می‌زدم}؛ یا وقت و بی‌وقت مرفتم {می‌رفتم}؛ خونه‌شون، حرفی به مادرم مزدم {می‌زدم}؛ اون حرفا یادآورم مشد {می‌شد} و دوباره تکرار مکردم؛ عین روزی که زنده هستن، اون حرفا رو باهاشون مزدم».

### مدیریت حضور در گورستان

با توجه به آنچه گذشت، برخی داغدیدگان میزان حضور و زمان حضور خود در گورستان را مدیریت می‌کنند. بدین ترتیب گاهی به‌واسطه ترس، از حضور در گورستان در شب پرهیز می‌کنند و یا برای اجتناب از قضاوت‌ها و نگاه حاضران در گورستان، در زمان خلوت به گورستان می‌روند و این‌چنین زمان حضور در گورستان را مدیریت می‌کنند. افزون‌براین، گاهی داغدیدگان بخاطر خود، آرامش اطرافیان و حتی شادی متوفی تلاش می‌کنند، میزان حضور خود را مدیریت می‌کنند و کمتر در گورستان حاضر شوند. نوبهار مدیریت میزان حضور در گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «بعدش دیگه هر کسی گفت که شب که میرید، اولاً مرده تون ناراحته، مثلاً حتی یه چیزایی گفتن که حالا سر شب که میشه، میخوان شربت‌شون بدن، شما هستید، نمیدن؛ یه چیزایی که آدم نمیدونه اینا رو گفتن و دیگه گفتیم حالا بخاطر خودش {متوفی} کمتر بریم».

### مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات

در این میان با توجه به مکروه دانستن خیرات در گورستان و یا دوری از گورستان و مواردی از این قبیل، برخی داغدیدگان سعی می‌کنند در مکانی غیر از گورستان مثلاً در مهمانی‌ها یا در امامزاده‌ها خیرات کنند. نازگل که پدرش را در سانحه رانندگی از دست داده است، به دلیل دوری از گورستان، مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «سر خاک که نمی‌تونیم خیرات کنیم، ولی هر پنجشنبه‌ای یه کاسه شکلاتی، اینجا نزدیک خونمون پمپ بنزینه، می‌ریم می‌زاریم تو پمپ بنزین، زودی هم تموم میشه».

### گسترش ارتباطات وابسته به گورستان

فعالیت‌های دیگری که داغدیدگان در گورستان انجام می‌دهند، جنبه‌ای تعاملاتی و ارتباطاتی دارد. بدین‌صورت که برخی داغدیدگان محدوده ارتباطی‌شان را به سایر داغداران حاضر در گورستان گسترش می‌دهند. افزون‌براین با حضور مناسبت‌محور در گورستان و مناسکی که انجام می‌دهند، دوره‌های خانوادگی و خویشاوندی‌شان را به گورستان منتقل می‌کنند. نوبهار تعامل با سایر داغداران حاضر در گورستان را این‌چنین بازنمایی می‌کند: «حالا تقریباً همه ببینید قطعه جانبازان تقریباً همه جوونن، مرداشون همه هم نمی‌دونم چه سری {راز}»



هست که همه خیلی شوهراشون خوب بودن که رفتن؛ وقتی که حرف می‌زنن این چیزها به آدم آرامش می‌ده؛ همه مثلاً همیشه از خوبی‌هاشون می‌گن».

### تشدید بیماری‌های پیشین

با توجه به شرح آنچه گذشت، می‌توان رخدادهایی را نشان داد که برخی داغدیدگان با آن مواجه شده‌اند. یکی از این رخدادها که برخی داغدیدگان بواسطه حضور مداوم در گورستان و وابسته کردن خواب و خوراک خود به گورستان و ناتوانی در ترک حضور در گورستان با آن درگیر می‌شوند، تشدید بیماری‌های پیشینی است که نیازمند درمان بوده است و آنها به درمان آن عمداً بی‌اعتنایی کرده‌اند. زهرا در این مورد می‌گوید: «تا سه سال هر چی رفتم دکتر، بهم گفت باید عمل کنی؛ نرفتم که می‌خواستم برم گورستان، بعد سه سال دیگه نزدیک فلج شدن رسیدم».

### تنظیم عواطف

همچنین گاهی برخی داغدیدگان با دیدن گل‌های اطراف قبر متوفی احساس طراوت و تازگی می‌کنند و بواسطه حضور در گورستان دلتنگی‌شان را محدود و رفع کرده و با برساخت زندگی در گورستان آرام می‌شوند. بدین‌سان تنظیم عواطف در داغدیدگان مهیا و برقرار می‌شود. فاطمه، طراوت روحی با دیدن گل‌های اطراف قبر متوفی را این‌چنین به تصویر می‌کشد: «حس خوبیه که من گل سر سنگش بنارم؛ فکر کنم لیاقت فرزند خیلی بیشتر از اینا بود؛ خودمم خیلی گل رو دوست دارم و اونجایی که گل می‌چینم دور سنگش، احساس طراوت خاصی دارم؛ حس زنده بودن؛ یه حس خاصی دارم».

### سازگاری با اپوخه گورستان

درنهایت در داغدیدگان با توجه به فرایندی که شرح داده شد و با گذشت زمان نوعی سازگاری با منطق محاسبه فایده و زیان و اپوخه گورستان شاهد هستیم. بدین ترتیب داغدیدگان به تدریج در رفتار خود بازاندیشی کرده؛ چراکه فایده‌ای از رفتن به گورستان برای خود متصور نمی‌شوند و با همسان‌پنداری شرایط با سایر داغداران، به صورت کاملاً ارادی خود را از حضور در گورستان باز می‌دارند و لذا حضور در گورستان به حالت تعلیق در آمده و به عبارت بهتر به سازگاری با اپوخه گورستان منتهی می‌شود. آزاده که با فقدان غیرمنتظره فرزندش مواجه شده است، سازگاری با اپوخه گورستان را این‌چنین بازتعریف می‌کند: «دیگه سر خاک که میرم من اولاً / اوایل / هر روز می‌رفتم؛ حتی یک ماه و دو ماه اول هر روز می‌رفتم؛ بعدش دیگه حالا کمتر میرم؛ هفته‌ای یه بار میرم عود می‌دارم بالای سرش».

### مدل پارادایمی

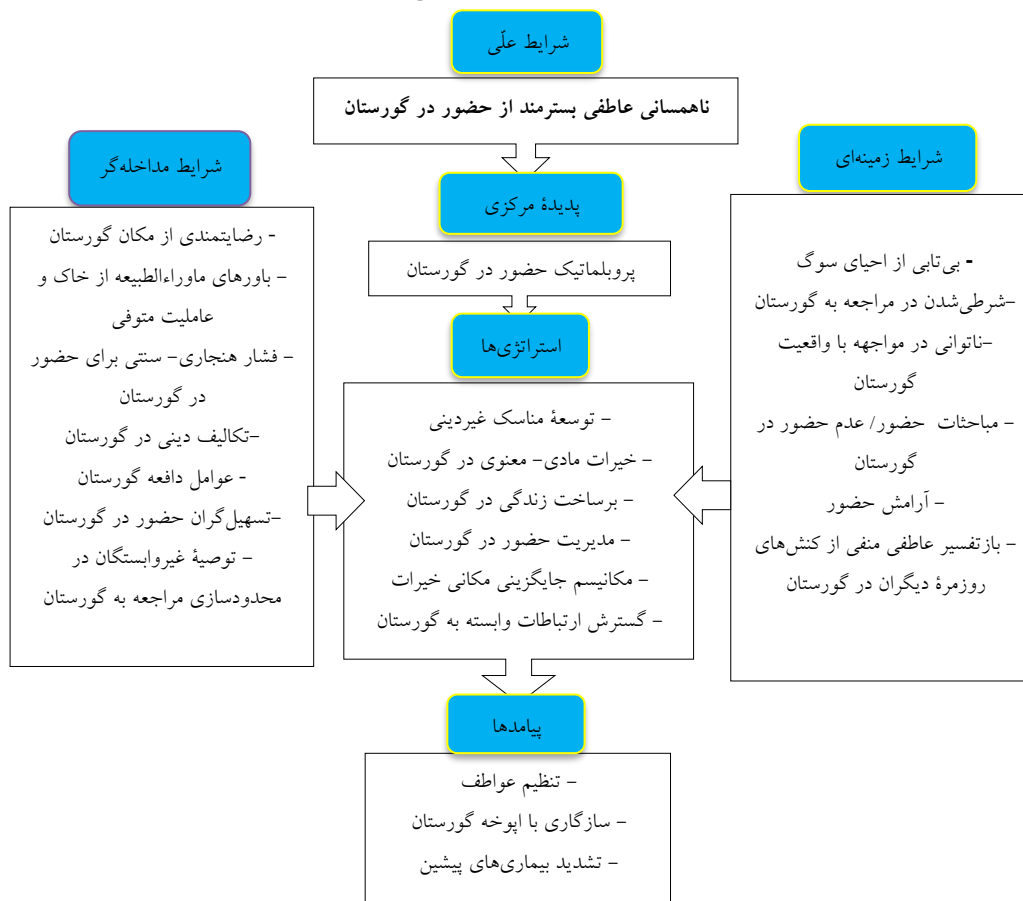
در این قسمت مدل پارادایمی پژوهش بر اساس خط داستانی که تشریح شد، ترسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته است. مدل پارادایمی، از پنج قسمت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها تشکیل شده است. فرایندی که در این پژوهش جریان

داشت، پدیدهٔ مرکزی پروبلماتیک حضور در گورستان را نشان می‌دهد. بدین معنا که داغدیدگان در نتیجهٔ ناهمسانی عاطفی بسترمند از حضور در گورستان به همراه شرایطی زمینه‌ای و مداخله‌گر با مسئلهٔ حضور در گورستان مواجه می‌شوند.

درواقع، آنچه مسئلهٔ حضور در گورستان را تبدیل به یک مسئله کرده است، عواطف و احساسات ناهمسان افراد داغ‌دیده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، به این نتیجه رسیدیم که ناهمسانی عاطفی در همه داغ‌دیدگان به نوعی رخ می‌دهد. این ناهمسانی عاطفی بدین صورت رخ می‌دهد که از یک سو آنها برای ارضای نیازهای روحی خود نیازمند حضور و حس پیوستگی با گورستان دارند، تا از این طریق به‌زعم خود رابطه خود را با متوفیان برقرار ساخته و به‌نوعی خود را وفادار نشان دهند؛ اما از سوی دیگر، معنای منفی مرگ و گورستان و تبلیغات منفی اطرافیان و جامعه در مورد حضور در گورستان آنها را در یک ناهمسانی عاطفی قرار می‌دهد: ناهمسانی که یک سوی آن پیوستگی عاطفی به متوفی و یک سوی دیگر آن پیوستگی عاطفی و مرجعیت اطرافیان و جامعه‌ای است که مدام بر ارزش زندگی کردن تأکید می‌کند. به‌همین دلیل داغ‌دیده به‌طور مداوم احساس ناهمسانی حضور/عدم حضور در گورستان را تجربه و درک می‌کند و به‌این خاطر پروبلماتیک مسئلهٔ حضور در گورستان را در ذهن وی شکل می‌گیرد. این مسئله که آیا من باید در گورستان باشم یا نه؟ آیا حضور در گورستان من را آرام می‌کند یا بی‌قرار؟ این مسئله در تقابل بین دنیای ذهنی داغ‌دیده و اجتماع اطرافیان او مدام این ناهمسانی را شکل می‌دهد، و این ناهمسانی گورستان را به مسئله‌ای ذهنی و عینی برای فرد داغ‌دیده تبدیل می‌کند.

بنابراین داغ‌دیدگان حضور محدود و مناسب‌محور یا مداومی را در گورستان دارند. آن‌ها با حضور در گورستان استراتژی‌هایی چون توسعهٔ مناسب غیردینی، خیرات مادی- معنوی، مکانیسم جایگزینی مکانی خیرات و بر ساخت زندگی را همانطور که شرح آن در خط داستان ارئه شد، در پیش می‌گیرند. همچنین داغ‌دیدگان در نتیجهٔ به‌کارگیری استراتژی‌های نام‌برده و تعلق به شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر پیامدی منفی چون تشدید بیماری‌های پیشین و پیامدهای مثبتی چون تنظیم عواطف و سازگاری با اپوخه گورستان، فرایند گذر از داغ‌دیدگی را تجربه می‌کنند. بدین ترتیب داغ‌دیدگان فارغ از منطق دینی با محاسبهٔ سود و زیان حضور در گورستان و نگاهی مادی، با قائل نشدن منفعتی از حضور در گورستان برای خود، به تدریج و با گذشت زمان حضور خود در گورستان را به حالت تعلیق درمی‌آورند و با فقدان سازگار می‌شوند. البته لازم به ذکر است که تمایل به حضور در گورستان به موازات حرکت در مسیر سازگاری و از سرگیری مجدد زندگی در داغ‌دیدگان محدود شده و ممکن است دیگر آرامشی که از حضور در گورستان تجربه می‌کردند را دریافت نکرده و حتی نقش معکوسی را بر خود احساس کنند. به‌طور کلی در جریان این پژوهش، نقش تمایلات، احساسات، دین، سنت، اجتماع، فراغت و ویژگی‌های مکانی گورستان و موارد دیگری که در خط داستان به‌طور مفصل شرح داده شد، در شکل‌گیری پدیدهٔ مرکزی و کنش‌های داغ‌دیدگان در گورستان کاملاً ملموس بوده است.

شکل ۱: مدل پارادایمی



### بحث و نتیجه‌گیری

واقعۀ مرگ از دیرباز تاکنون از دغدغه‌های مهم بشریت بوده است. مواجهه با مرگ عزیزان خصوصاً فقدان‌های غیرمنتظره از تجربیات بسیار دردناکی است که بشر روزی تجربه خواهد کرد. نحوه مواجهه افراد با فقدان غیرمنتظره عزیز یا عزیزانشان به تناسب باورها، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها، علی‌رغم اندکی تشابهات، می‌تواند تفاوت‌هایی داشته باشد. در این میان یکی از مراسمی که با مرگ فردی انجام می‌شود، مراسم و آیین خاکسپاری و تدفین بوده است. مراسم تدفین از آیین‌هایی هست که با گذر زمان به‌رغم تحولاتی که به واسطه مدرنیته، رشد فردگرایی، افزایش مرگ‌ومیر و نظایر آن به خود دیده است، هنوز در جوامع حضور دارد. بنابراین در مقاله حاضر به منظور فهم فرایند حضور و کنش‌های داغدیدگان در گورستان با توجه به بستر مذهبی-سنتی شهر یزد و کشف نقش حضور در گورستان در فرایند گذار از داغدیدگی به گردآوری داده‌ها از داغدیدگان فقدان‌های غیرمنتظره پرداختیم. بدین ترتیب با داغدیدگانی که حداقل چهار ماه و حداکثر چهار سال از فوت عزیز یا عزیزانشان می‌گذشت،

مصاحبه‌های عمیق را طراحی و انجام دادیم. در نهایت یافته‌ها در سه فرایند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی مفهوم‌پردازی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نیز در قالب خط داستان و مدل پارادایمی ارائه گردید.

پویایی‌های پژوهش حاضر در بستر مذهبی و سنتی شهر یزد پدیدهٔ پروبلماتیک حضور در گورستان را نشان داده است. این پدیده مجموعه‌ای از تمایلات و احساسات را نشان می‌دهد که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. به عبارتی می‌توان گفت اگرچه احساسات می‌تواند تحت‌تأثیر فرایندها و تعاملات اجتماعی و فرهنگی برانگیخته شود، ولی به واسطهٔ همین چارچوب اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز می‌تواند کنترل شود. داغدیدگان نیز در مواجهه با فقدان‌های غیرمنتظرهٔ عزیزانشان احساسات گوناگونی اعم از غم، خشم و غیره را تجربه کرده و این احساسات آن‌ها را به رفتارها و کنش‌های خاصی وامی‌دارد. همچنین داغدیدگان در نتیجهٔ چارچوبی اجتماعی، مذهبی و هنجارهای فرهنگی قابلیت بازاندیشی در احساسات را داشته و در نهایت با کار احساسی و تکنیک‌های متنوع به تعادل احساسات و رفتارهایشان می‌پردازند. این تمایلات ناهمسان در میان داغدیدگان یک خانواده بر سر حضور/عدم حضور در گورستان خودش را مسئله‌مند می‌کند. چنانچه حضور در گورستان به تناسب تمایل خود داغدیده و ناهمسانی آن با سایر اعضای خانواده به مسئله و تنش تبدیل می‌شود که داغدیدگان یا به این تنش‌ها بی‌اعتنا هستند و به تناسب میل خود حضور مداوم، محدود یا مناسبت محوری در گورستان دارند و یا به‌خاطر اطرافیان و پایان دادن به بحث و مواردی دیگر استراتژی‌های گوناگونی نظیر مخفی‌سازی حضور در گورستان، و سازگاری با فقدان و میزان خاصی از حضور در گورستان (به اندازه مورد تأیید دیگران) را در پیش می‌گیرند.

از سویی دیگر بخاطر بافت سنتی مذهبی شهر یزد تمایل به دفن عزیزان در امامزاده‌ها بیش از سایر مکان‌ها است و به همین تناسب هزینهٔ دفن در امامزاده‌ها افزون‌تر از سایر مکان‌ها می‌باشد و همین باعث می‌شود تنها عدهٔ محدودی توانایی دفن عزیزانشان را در امامزاده‌ها داشته باشند. بدین سبب نارضایتی از مکان گورستان می‌تواند احساس محرومیت اجتماعی را در برخی داغدیدگان تقویت کند. همانطور که در شهر یزد در اکثر موارد، طبقات مرفه جامعه توانایی دفن عزیزانشان در امامزاده‌ها مثل امامزاده جعفر و غیره را دارند و این مکان برای آن‌ها رضایت‌بخش بوده است و طبقات متوسط یا پایین جامعه عزیزانشان را در خلدبرین که در حاشیهٔ شهر یزد واقع شده یا در روستاهای خود، دفن می‌کنند. در شهر یزد بعد از مرگ عضوی از خانواده در خانه، گاهی چندین ساعت متوفی در خانه نگه داشته می‌شود تا ماموران مرتبط با بوروکراسی تحویل میت برسند، فارغ از گریه و زاری و واکنش‌های روحی دیگر، بر سر متوفی قران خوانده و به سایر اعضای خانواده و بستگان خبر داده می‌شود. حتی گاهی در صورت فوت در بیرون از خانه، میت را قبل از خاکسپاری به منزل خودش می‌برند. بعد از آن همهٔ اعضای خانواده، بستگان و اطرافیان در خلدبرین و مکانی که میت را غسل می‌کنند، حاضر شده و داغدیدگان را همراهی کرده و در مراسم خاکسپاری شرکت می‌کنند. در اکثر موارد یک هفته و در مواردی سه روز سوگواری، مراسم ختم، روضه‌خوانی در مساجد و منزل

و گورستان به دنبال مرگ عضوی از خانواده برگزار می‌شود. مراسم چهلم، سال، سالگرد و حتی اولین عید بعد از دفن متوفی نیز در اکثر موارد انجام می‌شود. این تفاوت در تعداد روزها بستگی به آداب و رسوم مختلف و ترکیب مراسم در سه روز و یا اغلب وضعیت اقتصادی و نابهنگام بودن فوت، سن متوفی و... داشته است. چنانچه داغدیدگانی که از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردارند و فوت فرزندشان یا عضوی از خانواده را که غیرمنتظره بوده است، را تجربه کرده‌اند، این مراسم باشکوه‌تر البته با همکاری بستگان در انجام آن و همیاری داغدیدگان در مراسم تشییع، پذیرایی از سوگواران، حجله‌بندی خصوصاً برای جوانان و غیره انجام می‌شود. کمالینکه این مراسم و مراسم سالگرد برای فوت‌های نابهنگام نسبت به سالخوردگان و فوت‌های بهنگام، با جدیت بیشتر و برای چندین سال بعد از فوت ادامه داشته است.

در این میان فاکتور میزان گذشت زمان از فوت عزیزان، در شدت و ضعف تمایلات، انواع احساسات نشأت گرفته از حضور و میزان حضور داغدیدگان در گورستان نقش داشته است. بدین معنا که تمایل شدید و حضور مداوم در گورستان از جانب برخی داغدیدگان از چهار ماه تا یک سال بعد از فوت عزیزان ذکر شده است، ولی هرچه شدت وابستگی عاطفی به متوفی بیشتر باشد و افراد فراغت بیشتری برای حضور در گورستان داشته باشند، این زمان طولانی‌تر می‌شود و حتی گاهی تا ۵ سال نیز طول می‌کشد. بنابراین افراد با گذشت زمان و به واسطه مداخله برخی شرایط و عوامل دیگر تمایل‌شان در جهت معکوس تغییر جهت داده و به حضور در گورستان نامتمایل می‌شوند. افزون‌براین به تدریج و با شروع مجدد زندگی در داغدیدگان، احساسات نیز تغییر جهت داده و دیگر آرامشی را به واسطه حضور در گورستان تجربه نمی‌کنند. در این پژوهش نمی‌توان یک رابطه عام و جهان‌شمول را بین سن، جنسیت، شغل، تحصیلات و غیره با تمایل یا عدم تمایل به حضور در گورستان و موارد مرتبط در نظر گرفت و برای این امر نیاز به تحقیقات پیمایشی که هر دو جنس و متغیرهای زمین‌های را در آن می‌سنجند، ضروری است. چنانچه اغلب شاغل بودن داغدیدگان تأثیری در محدود شدن حضورشان در گورستان نداشت؛ اما دوری یا نزدیکی منطقه مسکونی از گورستان از مواردی بود که حضور داغدیدگان را در گورستان تسهیل یا محدود می‌نمود. در مورد عامل سن می‌توان گفت اگر چه اغلب تلاش می‌شود کودکان را از گورستان دور نگه دارند، ولی بعضی کودکان شدیداً نیاز به حضور در گورستان را در خود احساس می‌کنند و برخی از حضور در گورستان فرار می‌کنند و با حضور در آن احساس آرامش نمی‌کنند؛ اما نکته‌ای که وجود دارد این است که افزایش سن و کهولت با ناتوانی‌های جسمی همراه با آن از موانعی است که حضور در گورستان را محدود می‌کند. اما همان‌طور که تشریح شد فاکتور گذشت زمان از فوت متوفی، میزان فراغت و توانایی برای حضور در گورستان، دوری یا نزدیکی منطقه مسکونی به گورستان، ویژگی‌های کالبدی گورستان، قضاوت‌های اجتماع در گورستان‌های گم‌ینشافتی، اعتقادات و مذهب در میزان حضور داغدیدگان در گورستان نقش داشته است. هم‌چنین نقش چگونگی فوت و نسبت داغدیدگان با متوفی و نابهنگام بودن فوت در شدت واکنش‌های داغدیدگان را نمی‌توان نادیده گرفت. چنانچه هم نسبت داغدیدگان با متوفی و هم غیرمنتظره بودن فوت،

گاهی موجب واکنش‌های روحی و روانی شدیدی چون شوکه‌شدن و غیره می‌شود که باورناپذیری فوت، گاهی داغدیدگان را به حضور در گورستان واداشته و گاهی گریزان از آن و ناتوان از مواجهه با واقعیت. به‌گونه‌ای که در اکثر موارد خانواده متوفی اعم از پدر، مادر، همسر، فرزند، خواهر و برادر فارغ از شدت سوگ و واکنش‌های روحی و روانی به فقدان، ممکن است برای سال‌ها حضور مداومی در گورستان داشته باشند، مگر در مواردی نادر که شرایطی مثل عدم توانایی مواجهه با گورستان و تلاش برای فراموشی و گذر از داغدیدگی و غیره مداخله کرده و حضور در گورستان را محدود نماید.

در این مطالعه، حضور مهاجرین و کارگران به‌واسطه طولانی‌شدن ساخت و بازسازی گورستان موجبات ناامنی کالبدی را برای داغدیدگان فراهم می‌کند، که به‌عنوان محدودکننده‌ای ساختاری بر سر حضور در گورستان اعمال نفوذ می‌کند. همین امر اهمیت لزوم توجه به فرایند بازسازی گورستان و نظارت بیشتر مسئولان مربوطه را یادآوری می‌کند. افزون‌براین به نظر می‌رسد فضای گورستان نیز می‌تواند در تغییر فضای روحی داغدیدگان نقش داشته باشد؛ چنانچه در این تحقیق نیز مشاهده شد داغدیدگان با دیدن گل‌های اطراف قبر متوفی احساس طراوت می‌کردند و برای از سرگیری مجدد زندگی امیدوار می‌شدند. اما با توجه به کویری بودن شهر یزد، به ندرت فضای سبزی در گورستان‌ها به چشم می‌خورد؛ کمااینکه توجه به فضای گورستان از منظر توسعه پایدار نیز حائز اهمیت می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزان توجه جدی‌تری به این فضاها داشته باشند.

## منابع

- آریس، فیلیپ (۱۳۹۵). *تاریخ مرگ؛ نگرش‌های غربی در باب مرگ از قرون وسطی تا کنون*. ترجمه محمدجواد عبدالمهی، تهران: نشر علم.
- بیات‌ریزی، زهره؛ تسلیمی‌تهرانی، رضا (۱۳۹۶). «مروری انتقادی بر اندیشه‌های اجتماعی در باب مرگ با توجه به وضعیت خاص ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۳ و ۴، صص ۳۶-۵۶.
- حقیر، سعید؛ شوهانی‌نژاد، یلدا (۱۳۹۰). «چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران»، *باغ نظر مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر*، شماره ۱۷، صص: ۹۴-۸۱.
- رحمانی، جبار؛ قربانی، هاجر (۱۳۹۶). «تدفین به مثابه یک پدیده بوروکراتیک، آیین‌های مرگ در بهشت زهرا-تهران» *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۳، صص: ۴۰۹-۴۳۰.
- زمانی‌مقدم، مسعود (۱۳۹۵). *پژوهشی در جامعه‌شناسی مرگ*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ فراستخواه، مقصود؛ و زمانی‌مقدم، مسعود. (۱۳۹۴). «نگرش لاهوتی و ناسوتی نسبت به مرگ: مطالعه مرگ‌اندیشی نمونه‌ای از دانشجویان با روش نظریه زمینه‌ای»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. دوره ۱۱، شماره ۴۰، ۱۷۶-۱۵۲.
- صفی‌خانی، نینا؛ احمدپناه، سید ابوتراب؛ و خدادادی، علی (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تأکید بر نقوش حیوانی شیر و ماهی)»، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، شماره ۴، صص: ۶۷-۸۰.
- طاهری‌سرتشتیزی، اسحاق؛ و موسوی، مریم‌السادات (۱۳۹۱). «مرگ‌آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج‌البلاغه»، *انسان پژوهی دینی*، شماره ۲۷، صص: ۱۷۷-۱۹۸.
- کریمی، مرتضی (۱۳۸۷). «مرگ و مردن به‌عنوان مقولاتی فرهنگی»، *پژوهش در فرهنگ و هنر*، شماره ۱، صص: ۹۱-۱۰۱.
- کلانتری، عبدالحسین؛ و تسلیمی‌تهرانی، رضا (۱۳۹۱). «بررسی میزان رازآلودگی مفهوم مرگ در شهر تهران»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ۳، شماره ۴، ۱۲۶-۱۰۹.
- لطیفی، عبدالحسین (۱۳۹۳). «آداب و شعائر مربوط به مرگ در دین هندوی». *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان بلوچستان*، شماره ۱۹، صص: ۸۵-۱۰۶.
- محدثی، حمیده؛ فیضی، آرام؛ ازگلی، گیتی؛ ساکی، کوروش؛ و ساعی قره‌ناز، مرضیه (۱۳۹۵). «تیین تجارب زیستی مادران از سازگاری با مرگ پری‌ناتال: یک مطالعه کیفی»، *مجله زنان مالمایی و نازایی ایران*، شماره ۲۰، صص: ۲۹-۱۹.
- مزیانی‌شریعتی، سارا؛ و تسلیمی‌تهرانی، رضا (۱۳۹۵). «نسبت مرگ و دین در نمایشنامه‌های فرهنگی مرگ و مردن در بین نمونه‌ای از ساکنین شهر تهران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۳، صص: ۱۱۷-۹۱.
- مسعودی‌اصل، بهزاد (۱۳۹۵). «مناظر فرهنگی و اجتماعی آرامستان میلان با رویکرد فضای باز جمعی شهری»، *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، شماره ۱۴، صص: ۶۲-۵۵.
- وردن، ویلیام. ج (۱۳۷۷). *رنج و التیام در سوگواری و داغ‌دیدگی*، ترجمه محمد قاندر، خرمشهر: نشر طرح نو (روانشناسی و فرهنگ).
- یوسفی، علی؛ و تابعی، ملیحه (۱۳۹۰). «پدیدارشناسی تجربی معنای مرگ؛ بررسی موردی زنان شهر مشهد»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۵-۱۴، صص: ۵۱-۳۹.

Castle, Jason., & Phillips, William. L. (2003). Grief rituals: Aspects that facilitate adjustment to bereavement. *Journal of Loss & Trauma*, 8(1), 41-71.

Gudmundsdottir, Maria., Martinson, Paule. V., & Martinson, Ida. M. (1996). Funeral rituals following the death of a child in Taiwan. *Journal of palliative care*, 12(1), 31-37.

- 
- McCown, Darlene. E. (1984). Funeral attendance, cremation, and young siblings. *Death Education*, 8(5-6), 349-3.
- Pan, Xiafo., Liu, Jinyu., Li, Lydia. W., & Kwok, Jonathan. (2016). Posttraumatic growth in aging individuals who have lost their only child in China. *Death studies*, 40(7), 395-404.